

تجارت دریایی ایران و هند در دوره باستان (هزاره‌های پیش از میلاد تا عصر سلوکی)

محمد جعفر چمنکار^۱

چکیده

هندوستان و اقیانوس هند از روزگاران کهن، جایگاه ممتازی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران زمین داشته است. با پیدایش نظام‌های سیاسی در بین‌النهرین باستان و تمدن‌های اولیه ایران و سپس دولت‌های آریایی، نقش این حوزه استراتژیک در تحولات اقتصادی جهان آشکارتر شد. در این پژوهش، بازرگانی دریایی ایران و هند از هزاره‌های پیش از میلاد تا عصر هلنی بررسی شده است. حکومت‌های ایران، به ویژه تمدن‌های جنوب شرقی ایران با دگرگونی‌های اقتصادی سواحل اقیانوس هند و سرزمین‌های ماوراء آن پیوند نزدیک و بر یکدیگر سخت تأثیر داشته‌اند.

واژگان کلیدی:

ایران، هند، تجارت دریایی، دوره باستان، عصر سلوکی

مقدمه

در منابع تاریخی، دریای عمان و خلیج فارس را به نام‌های بحر فارس، بحر اخضر و دریای مکران و در برخی منابع کهن اروپایی با نام دریای اریتریا و دریای رومیروم و دریای هندوس نیز خوانده‌اند و این نام‌ها گاه بر سرتاسر اقیانوس هند و پهنه‌های آبی مربوط به آن نیز اطلاق می‌شده است. نام این دریا به همراه دریای عرب امروزی، در آثار جغرافی‌نویسان مسلمان، هندی‌ها و پارسیان "مکران" است و گویا تغییر یافته "مهی خوران" باشد که اروپایی‌ها از آن به نام Mecran- Makran یاد کرده‌اند. دریای مکران را گاه آب‌های کل جنوب ایران و پاکستان فعلی خوانده‌اند. در قدیم این دریا با تمام

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۴

^۱ عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه ارومیه Southstar_boy@yahoo.com

گستره آب‌های جنوبی ایران، همراه با همه آب‌های شمال اقیانوس هند تحت سیطره ایرانیان باستان، دریای پارس نیز نامیده می‌شد.

آگاهی‌های ما از تجارت دریایی ایرانیان با سرزمین‌های خارج از خلیج فارس و دریای عمان به ویژه هند، بر شواهد باستان‌شناسی به ویژه در دوره پیش از تشکیل حکومت‌های آریایی تکیه دارد. نخستین اشاره به بازرگانی ایران در اقیانوس هند از آن یک رومی، به نام پالادیوس (قرن ۴م.) است؛ پس از او، سالنامه‌های نسطوریان مسیحی به تجارت ایران با هند و سریلانکا اشاره شده است. کوسماس رومی در کتاب توپوگرافی مسیحیان، در حدود ۵۵۰ م. از نقش کلیدی سریلانکا در تجارت قرن ۶ میلادی و فعالیت بازرگانان ایرانی در اقیانوس هند سخن به میان آورده است: او در توصیف شهر تاپروبن یا تامراپرانی، از منابع جواهرات به ویژه یاقوت کبود و تجهیزات بندری و لنگرگاه بزرگ آن یاد کرده است که پذیرای ناوگان‌های بسیار از ایران و هند و اتیوپی بود. همچنین کشتی‌های بسیار دیگری نیز از این بندر سیلانی به دیگر آب‌های جهان بادبان برمی‌افراشتند. پروکوپئوس نیز از حضور بازرگانان ایرانی در بندرهای سیلان یاد کرده است و متون مانوی از دیگر منابعی است که در آنها از مسافرت‌های پیروان این کیش به هندوستان از طریق خلیج فارس اشاره شده است.

بازرگانان خلیج فارس در هند با فروش کالاهای خود، انواع کالاهای دیگر را می‌خریدند: لباس‌های حریر، استبرق، قرنفل (میخک)، دارچین، فلفل، زعفران، هل، کتیرا، صدف، عاج، مروارید، مرجان، عطر، روغن ماهی و محصولات دریایی. بازرگانان هندی نیز کالاهای خود را از طریق دریای عمان به یمن و حضرموت می‌بردند و تجار یمنی آن را به حبشه، مصر، فینیقیه، فلسطین و مغرب منتقل می‌کردند. در این مقاله کوشش شده است تا به پرسش زیر پاسخ داده شود:

- روابط تجاری ایران و هندوستان از آغاز تا عصر سلوکی، چه فرآیندی داشت و جایگاه آن در دولت‌های ایران چگونه بود؟

بر این اساس، آیا روابط دو منطقه، به ویژه از طریق معابر آبی جنوب و جنوب شرقی ایران، ضمن شکوفایی اقتصادی منطقه، تبادلات و آثار فرهنگی و تمدنی را به وجود آورد؟

الف) دوره پیش از تشکیل حکومت‌های شاهنشاهی ایران باستان

۱. روابط با مرکزیت جزیره‌ها و بندرهای خلیج فارس

در بررسی تجارت خلیج فارس و دریای عمان در هزاره‌های پیش از میلاد، مناطق سند و ایندوس، ماگان (مکن، ماجان) ملوخته (مالوخته، ملوخته) و دیلمون (تیلمون، نی دوک کی) اهمیت خاصی دارند. شناخت دانشمندان معاصر از فعالیت‌های اقتصادی میان این مراکز با کانون‌های اقتصادی خلیج فارس متکی بر متن‌های تاریخی و گِل نبشته‌های سومری است (ایوانف، ۱۳۵۹: ۳۵). کشف تمدن هاراپا در ۱۹۲۱م. و موهنجودارو در سال ۱۹۲۴م. گامی بلند در شناسایی بیشتر این داد و ستدها و ارتباطات اقتصادی فرهنگی بود. در آثار مکشوفه بین‌النهرین از سرزمین آن سوی خلیج فارس یاد شده است که

کشتی‌های طلا، عاج و سنگ‌های آبی از آنجا می‌آمدند و آن سرزمین، باید موهنجودارو در شبه قاره هند باشد^۲ (Habib, 1964: 77; Alweis, 2005: 9).

نمونه‌هایی گوناگون از همکاری و تأثیر متقابل در کشفیات باستان‌شناسی نمودار شده است: مهرهای هاراپایی هندی مکشوفه در مناطق سوتل و تل اسمار و دیگر زیست‌گاه‌های سومری (کلارک، ۱۳۷۹: ۳۵۶)، مضامینی مشخص از فرهنگ دره سند دارند. نقش گاو نر یک شاخ با آخور و خطوط تصویری متعلق به زمان حکومت سارگن و دوره‌های پس از آن (مغول، ۱۳۶۹: ۲۶) و شکل‌های مار تاجدار موسوم به مهرهای نگا^۳ (ویل دورانت، ۵۷۹/۲) از این نمونه نقشینه هاست. کشف گونه‌هایی دیگر از مهرها، لباس‌ها و تولیدات کتان هندی در سومر و اور، گواه روابط گسترده میان این دو منطقه دوردست جهان باستان از راه خلیج فارس و دریای عمان است (Alweis, 1964: 78). همچنین شماری از مهرها و دست ساخته‌ها و تولیدات بومی منطقه بین‌النهرین و سواحل خلیج فارس در مراکز تمدنی هند کشف شده است (Ibid). توسعه کشتیرانی در خلیج فارس روابط دو جانبه را گسترش می‌داد (مالووان، ۱۳۷۲: ۱۱-۱۲) و بسیاری از تاجران هندی به صورت مهاجر در شهرهای سومر زندگی می‌کردند کشتی‌های دریانوردان هندی و مردم بین‌النهرین همگون و مشابه بود.^۴

دانشمندان پیشرفت در بخشی از تمدن دره سند را نتیجه تعامل با تمدن‌های بین‌النهرین و خلیج فارس دانسته‌اند (Alweis, 1964: 78). آغاز تمدن شهرنشینی با توانایی نوشتن در دره سند هنگامی بود که ساکنان آنجا با دولت‌های مجاور خلیج فارس و دریای عمان، مناطق ساحلی مکران یا بلوچستان، جنوب ایران و بین‌النهرین ارتباط گسترده برقرار کردند. بر اساس جدول گاه‌شماری بین‌النهرین، این رویدادها به طور مشخص با دوره اکادی قدیم و مرحله سوم اور همزمان بوده است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۵: ۸۱/۱). در پایان هزاره سوم پ.م. آغاز و گسترش تجارت دریایی با هند از راه خلیج فارس، حاکی از جابه جایی تجارت از راه خشکی شمال به مناطق کرانه‌ای آبی جنوب است. پیدایش گروه‌های نژادی جدید در شمال ایران و در پی آن کندی یا توقف روند مبادلات تجاری از راه مناطق شمالی می‌تواند یکی از دلایل جا به جایی مراکز داد و ستد باشد. در آغاز هزاره سوم پ.م. ترک پایگاه‌ها در شمال بلوچستان و گسترش فرهنگ هاراپایی در امتداد کرانه‌های دریای عمان به سوی جنوب شرقی (هندوستان) و غرب تا مرزهای ایران، چنین نظریه‌ای را تقویت می‌کند (مغول، ۱۳۶۹: ۲۶-۲۵). تقابل سومریان دوره جم‌ت نصر (۳۱۰۰-۲۹۰۰ پ.م.) و دیگر تمدن‌های بین‌النهرین با مهاجمان عیلامی در روزگار نخستین پیدایش آنان، که استفاده از راه‌های بازرگانی زمینی را دشوار کرد، بر اهمیت تجارت مستقیم با مناطق دوردست از راه آبراه‌های جنوبی افزود (ولی‌پور، ۱۳۸۰: ۳۳). بازرگانان شبه قاره هند در مسیر حرکت از بندرهای اقیانوس هند به دریای عمان و سپس بین‌النهرین، ساحل شمالی خلیج فارس و ایران داخلی، در دیلمون (بحرین) باراندازی و بارگیری می‌کردند (چایلد، ۱۳۶۸: ۱۳۳). به نظر می‌رسد از هزاره دوم پیش از میلاد، دیلمون انباری مهم برای تاجران بوده است (مالووان، ۱۳۷۲: ۱۳). رونق تجاری بندر دیلمون از حدود سال ۱۸۰۰ پ.م. کاهش یافت و در نتیجه، میزان مبادلات اقتصادی آن با شهرهای بین‌النهرین و سرزمین‌های شمال خلیج فارس نیز به سیر نزولی افتاد. هجوم اقوام هند و اروپایی آریایی به تمدن‌های دره هند و نابودی مؤسسات اقتصادی و تمدن آنان (هاولی، ۱۳۷۷: ۳۳) از مهم‌ترین علل کاهش روزافزون اهمیت تجاری دیلمون در خلیج فارس

^۲. برای اطلاعات بیشتر در باره تمدن‌های هاراپا و موهنجودارو، بخش کتابنامه لاتین مقاله ملاحظه شود.

^۳. Nega

^۴. (Chatto Padhyaya; 2003: 5- 11; Thapar. 2003: 18). ۱۳۷۷: ۳۱

باستان بود. بنا بر اکتشاف‌های باستان‌شناسی در دوره عیلام میانه (۱۳۰۰-۱۰۰۰ پ.م.) فعالیت گسترده ساختمانی از شوش تا لیان و سواحل خلیج فارس جریان داشت (عبدی، ۱۳۸۲: ۱۰). محصولاتی چون گندم و جو، کنجد، حبوبات، سبزیجات و صیفی‌جات، خرما، دام، لبنیاتی چون کره، پنیر و شیر، پوست و چرم، کانی‌ها و فلزات گاه به سبب افزایش تولید، ارزان بود (نگهبان، ۱۳۷۵: ۳۵۸؛ پرادا، ۱۳۸۳: ۴۷) و با کالاهای دیگر نقاط جهان و کالاهای بازرگانان هند که تماس‌های اقتصادی مستمر با اهالی شوش داشتند (سرافراز، ۱۳۸۰: ۳)، مبادله می‌شد.

۲. کرانه‌های دریای عمان، مکران

جنوب بلوچستان و کناره دریای مکران (دریای عمان) که اینک زیر آب است، از دوران پارینه سنگی محل زندگی اجتماعات انسانی بود، زیرا ابزار سنگی ساخت آنان در سواحل جنوب شرقی ایران تا حدود کنارک (چابهار- تیس) یافت شده است. در آغاز هزاره سوم پ.م. گروه‌های انسانی در شبه جزیره عمان و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و دریای عمان به زندگی سیاسی و اقتصادی خود ادامه می‌دادند (سیدسجادی، ۱۳۶۷: ۵۱) و روابط نزدیک تجاری و فرهنگی با مراکز تمدنی ایران ساحلی و مناطق پسابندر داشتند. کاوش‌های تپه بمپور بلوچستان مربوط به دومین ربع هزاره سوم تا حدود سال‌های ۱۹۰۰ پ.م. حاکی از شش دوره استقرار است. مکشوفات دوره پنجم و دوره ششم نشان‌دهنده استفاده از صدف‌های دریایی و ارتباط این منطقه با کرانه‌های دریای عمان است. سفال‌های کشف شده در لایه‌های ششم که از نوع سفالینه‌های سیاه بر زمینه خاکستری است، با سفال‌های منطقه امّ النار در عمانات شباهت بسیار دارد و حاکی از رابطه میان سواحل جنوب شرقی ایران با جنوب تنگه هرمز در دوره معروف به بربر در بحرین است. این ارتباط و تأثیر فرهنگی، نتیجه گسترش بازرگانی، داد و ستد مستقیم و مهاجرت‌های انسانی بوده است (همان: ۵۵، ۴۴-۴۳). کشفیات سرورل استین در ۱۹۳۶ م. در نواحی مکران و حوضه رودخانه بمپور و بتاتریس دوکاردی در ۱۹۶۶ م. در این مناطق، در اثبات این موضوع نقش به سزا داشت (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۱۰۶ و ۱۱۳). دوکاردی فرهنگ سفالی بمپور را از آغاز هزاره چهارم پ.م. در شش دوره طبقه‌بندی کرد. وی سفال‌های دوره سوم و چهارم را با سفال‌های جنوب افغانستان کنونی (موندیگاک) و شهر سوخته سیستان مشابه دانست. سفال دوره پنجم را برابر با نال بلوچستان و سفال دوره ششم را با دو نوع سفال خاکستری و منقوش کنده شده یا شانه‌ای را با آثار موجود در عمان، ابوظبی و نیز بین‌النهرین مشابه تشخیص داد. او ساخت سفالینه‌های این دوره را با دست ساخته‌ها و الواح پیش ایلامی تپه یحیی در هزاره چهارم (۳۴۰۰-۳۰۰۰ پ.م.) همزمان دانست. در این دوره، میان تپه یحیی، بمپور، مراکز تمدنی در سیستان و بلوچستان با بین‌النهرین رابطه فرهنگی و تجارت سنگ وجود داشته است (همان: ۱۱۳). بنابر یافته‌های حفاریات بمپور، استقرارهای هزاره سوم در مکران غربی، دلیلی بر وجود پیوندهای فرهنگی و اقتصادی میان سند و مکران است و گواهی بر این نتیجه که، این ارتباط از شهر سوخته در جنوب سیستان تا حوضه چابهار- به تقریب در جنوب بمپور و در ساحل دریای عمان - جریان داشته است. بر این اساس، برخی دانشمندان بمپور باستانی را مرکز سرزمین ماگان و اقامتگاه پادشاه آن، مانویی (مائودانو) دانسته‌اند (همان).

ب) دوره هخامنشی

ایران پس از تصرف فینیقیه و فتح آسیای صغیر، سرحدات شرقی و کرانه‌های دریای عمان و اقیانوس هند را به قلمرو خویش درآورد و این منطقه را که به سبب شرایط کویری و آب و هوای نامناسب به دشواری قابل اداره بود، تثبیت کرد

(گیرشمن: ۱۴۰، هوار: ۴۶؛ هدایتی: ۱۱-۱۰). هرودوت و گزنفون دریای عمان را دریای اریتره یا دریای اریتره روم نامیده‌اند. هرودوت از مردمان مکه، که به ساکنان میان کرمان و سرزمین‌های عرب اطلاق می‌شد و عمدتاً در دو سوی خلیج عمان و جزایر دریای نیمروز (سواحل مکران بلوچستان) قرار داشتند، یاد کرده است (کخ، ۱۳۷۸: ۲۴، ۱۸). گزنفون نیز در کتاب تربیت کوروش، کتاب ۸، فصل ۸ از حبشی‌های ساکن در سواحل دریای عمان در عهد کوروش سخن به میان آورده است (گزنفون، ۱۳۵۰: ۲۵-۱۶). در پادشاهی داریوش، تسلط و نقش آفرینی ایران هخامنشی در کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس و دریای عمان به اوج رسید. داریوش در ستون اول بند ۶ کتیبه بیستون در توصیف ممالک امپراتوری گسترده خود، از سرزمین‌های دریایی پارس، خوزستان، بابل، زرنگ، گنداره، رنج و مکیا یاد کرده است (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱/۲؛ کامرون، ۱۳۶۵: ۵-۶) و در کتیبه تخت جمشید (در دیوار پیش بند صقه از طرف چپ بند ۲) عربستان، ملت‌های آن سوی دریاها و ممالک واقع در مشرق و هندوستان را خراجگزار خود خوانده است (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۵۹۷؛ مرادی غیاث آبادی، ۱۳۷۷: ۳۴). هرودوت ساگارتی‌ها، سرنگی‌ها، ثامانیان، اوتیان، می‌کیان و مردم جزایر دریای عمان را ساتراپی ایران هخامنشی در زمان داریوش آورده است و اینکه شاه، تبعیدیان را به آن جزایر می‌فرستاد (پیرنیا: ۴-۱۴۷۳؛ چمنکار، ۱۳۸۴: ۶۰، هرودوت: ۲۲۴). داریوش پس از تسخیر هند غربی در سال ۵۱۲ ق. م. اسکیلاس کارباندی را در رأس هیئتی اکتشافی به دریای عمان فرستاد. خشایارشا در کتیبه خود به سرزمین‌های ساحلی اشاره کرده است: «خشایارشا گوید: خواست اهور مزدا این است: کشورهای جدا از پارس که من شاه آنها بودم، من بر آنها حکمرانی کردم، رنج (بلوچستان) زرنگ (سیستان) و آنهایی که آن سوی دریا ساکن‌اند مکه (مکران)، عمان، عربستان (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۸۲؛ مرادی غیاث آبادی، ۱۳۷۷: ۳۷). با فتوحات جدید در سرحدات شرقی، مرزهای آبی ایران در کرانه‌های اقیانوس هند، دریای عمان و سواحل مکران تثبیت شد. راه دریایی که ممالک شرقی امپراتوری هخامنشی را به بخش‌های غربی متصل می‌کرد، اهمیت خاص داشت. از ایالت کرمان که تا سواحل دریای عمان امتداد می‌یافت، پنج راه تجاری به تخت جمشید، پاسارگاد، هرمز، پتاله در کنار رود سند و سرزمین‌های غربی می‌رسید (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۲/۱۴۹۱). اتصال این مناطق دریایی سبب گسترش تجارت و داد و ستد میان مصر، عربستان، سوریه، لبنان (فینیقیه)، ایران و هندوستان شد. در این راه‌های پر پیچ و خم آبی و خشکی، هزاران بازرگان از اقصی نقاط جهان مشغول فعالیت بودند. در متون مکشوفه تصریح شده است که مسافران از شوش و تخت جمشید به ماد، مصر، بلخ، کرمان، آریا، ساگارتیا، بابل، مکه (ساحل شمالی خلیج فارس)، رنج و هیندوس (جنوب پاکستان) رفت و آمد می‌کردند. در غار کارلا در منطقه کارلای هندوستان، آثاری از دوره هخامنشی مشابه اشکال تخت جمشید کشف شده است. بر اساس کتیبه‌ای در غار شماره ۷ واقع در انتهای قسمت فوقانی شمال کارلا، حجّاران این آثار از سرزمین ابولا در کرانه خلیج فارس اعزام شده بودند (بلسارا، ۱۹۳۶: ۷۶-۷۹). پس از آنکه داریوش در سال ۵۱۲ ق. م. هند را تصرف کرد، هندوستان غربی به خاک ایران ملحق شد و ضمن گسترش روابط اقتصادی، تسلط بر آب‌های اقیانوس هند و دریای عمان افزایش یافت (پیرنیا و افسر، ۱۳۵۰: ۷۰؛ غروی، ۱۳۵۳: ۳۲-۳۱). کشتی‌های ایران با عبور از دریای عمان به اقیانوس هند دسترسی یافتند و تا سواحل و بنادر سیلان به داد و ستد می‌پرداختند (آذری، ۱۳۵۲: ۱۲۳؛ Sancisi, 1990: 13-17؛ کخ، ۱۳۷۸: ۶۳).

ج) سلوکیان

با سقوط هخامنشیان و تصرف بین‌النهرین، کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان به تسخیر سپاهیان اسکندر مقدونی در آمد. اسکندر با هدف تأمین برقراری ارتباطات میان امپراتوری گسترده خود و بهره‌مندی نظامی و اقتصادی، باشتیاق وافر به اکتشافات جغرافیایی و مساحتی اراضی و ارزشیابی آبراه‌ها پرداخت. شناخت سلوکیان نسبت به آب‌های شمالی ایران و اقیانوس هند بسیار اندک بود؛ چندان که سند را مصب نیل و دریای خزر را با اقیانوس هند مرتبط می‌دانستند. براساس نوشته‌های سلوکیان، دریای خزر خلیجی بود که کشتی‌ها می‌توانستند از طریق آن به دریای سیاه و از شرق به هندوستان برسند (خاورشناسان فرانسوی، ۱۳۳۷: ۷۸). به نظر اسکندر، با کشف رودخانه سند، سرچشمه رود نیل آشکار می‌شد، زیرا نیل از هند آغاز می‌گردید (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۸۱۹). مطالب اریان (کتاب ۵، ۶، بند ۲) در باب سخنان اسکندر در جمع سپاهیان خود در حدود سال ۳۲۶ ق. م. حاکی از شناخت اندک جغرافیایی سلوکیان از دریاهای شرق ایران است: اگر کسی از شما نهایت را بپرسد باید بداند که ما از رود گنگواقیانوس شرق که با دریای هند و دریای گرگان و دریای پارس اتصال می‌یابد و تمام عالم را احاطه دارد، دور نیستیم، از دریای پارس تا ستون‌های هرقل (جبل الطارق) رانده و تمام لیبیا (آفریقا) را مانند آسیا تسخیر می‌کنیم و حدود عالم حدود دولت ما خواهد بود (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۸۱۹).

یونانیان، هندوستان را شرقی‌ترین کشور عالم مسکون می‌پنداشتند؛ حتی هکاتیوس، هرودوت و پاره‌ای از نویسندگان یونانی با آنکه هیچ یک هند را ندیده بودند، چنین تصویری داشتند. به گمان آنان، ساحل شرقی هند عرصه تاخت و تاز موج‌های اقیانوسی است و زیر زمین در میان آن قرار دارد. به نظر ارسطو، پس از عبور از منطقه پاراناسوس یا هندوکش، دریای خارجی یا همان اقیانوس هند دیده می‌شود (ویکلن، ۱۳۷۶: ۲۲۸-۲۲۶). پس از لشکرکشی اسکندر به هندوستان، نثارخوس فرمانده دریایی سلوکیان مأموریت یافت تا با گذر از رود سند به اکتشاف اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس بپردازد. ناوگان نثارخوس شامل ۱۰۰ تا ۱۵۰ تا ۳۵۰ هزار سپاهی، پس از گشت‌زنی در سواحل اوریس و گدروزیا و آنچه که منابع یونانی ولایت ماهی‌خواران خوانده‌اند، در سواحل کرمان (دریای عمان) به تجسس پرداخت (اقتداری، ۱۳۴۵: ۵۲). عملیات اکتشافی وی در پاییز سال ۳۲۵ ق. م. روی داد (هوار، ۱۳۷۵: ۷۹). بر پایه نوشته‌های مورخان یونانی، سواحل دریای عمان باستان از پتاله هند تا سرزمین کرمان بزرگ به سه قسمت عمده تقسیم می‌شد: ولایت ارایت‌ها، اوریته‌ها و منطقه مردمان ماهی‌خوار. مردمان ماهی‌خوار را از دیدگاه نژادی جزو اقوام حبشی خوانده‌اند که به صورت گسترده در سواحل جنوب شرقی ایران باستان سکونت داشتند. به نوشته استرابون یونانی، در قسمت بالای سرزمین آنان، مملکت گدروزیا (بلوچستان) قرار داشت (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۸۱۹). بر اساس تقسیم نامه‌های بابل در سال ۳۳۱ ق. م. در تری پارادسیوس و بابل در ۳۲۳ ق. م. و پرسپولیس در ۳۱۵ ق. م. پارس، کرمان، ماد بزرگ، آرخوزیا و گدروزیا که در ارتباط با سرحدات دریایی خلیج فارس و دریای عمان قرار داشتند، از ساتراپ‌نشین‌های علیا در دوره سلوکی شمرده می‌شدند. در تقسیمات اداری حکومت سلوکیان عهد سلوکوس اول، حدود بین‌النهرین، بابل، اقیانوس هند و خلیج فارس جزو ایالات سوم و پارس همراه با گدروزیا و کرمان و بخش‌هایی از سواحل کرمان بزرگ، جزو ایالات چهارم محسوب بودند (مشکور، ۱۳۷۴: ۶۸).

به نوشته پلین (کتاب ۶ بند ۳۴)، سلوکوس اول می‌کوشید تا با حفر کانالی، دریای خزر را به دریای عمان متصل کند. بر اساس اعتقادات سنتی جغرافی دانان یونانی، بحر خزر با اقیانوس هند در ارتباط بود. این اشتباه چهار قرن بعد هم در اثر بطلمیوس کلودیوس، که بعدها در دوره اسلامی کتاب المجسطی خوانده شد، به تصریح آمده است. انتیخوس سوم (۲۰۵-۲۰۴

ق.م)، تا هند پیش رفت و با پادشاه آن سوفاگازنوس پیمان دوستی بست. سلوکیان مالک جاده‌های بزرگ بین قاره‌ای بودند که اروپا را به آسیا و آفریقا متصل می‌کرد. یکسان‌سازی سرزمین‌های پهناور میان دریای مدیترانه با سیر دریا و سند و خلیج فارس و دریای عمان و ایجاد ارتباط اداری و بازرگانی و سیاسی میان آنان، از مهم‌ترین کارهای امپراتوران سلوکی بود (باوزانی، ۱۳۵۹: ۴۸). آنان با استفاده از تجارب یونانیان و فینیقی‌ها در زمینه کشتی‌سازی، ناوگان نیرومندی در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان به راه انداختند. این امر، ضمن تأمین ارتباط بازرگانی با هند در شرق و دریای سرخ در غرب، فرآیند مبادلات تجاری میان اروپا با مشرق زمین را تسهیل می‌کرد (گیرشمن، ۱۳۶۷: ۱۲۷). افزایش گنجایش کشتی‌ها، کاهش زمان مسافرت در نتیجه افزایش سرعت ناوگان از ۴ تا ۶ گره دریایی و شناخت دقیق تنگه و آبراهه‌های مشهور جهان از عوامل عمده در توسعه بازرگانی دریایی در عصر سلوکیان بود (مشکور، ۱۳۷۴؛ ۹۱). بادهای موسمی که از ماه مه تا سپتامبر از طرف جنوب غربی به سوی هند و از نوامبر تا مارس از سوی مخالف و به طرف دریای سرخ می‌وزید و جریان پیوسته بادهای یکنواخت در اقیانوس هند، در طول سال به بازرگانان امکان می‌داد که در کمتر از یک سال به هند رفت و آمد کنند (تاد، ۱۳۴۲: ۲۰۲-۲۰۱). بندر خاراکسس، راه اصلی به سوی سرزمین هند بود (رائین، ۱۳۵۶: ۲۲۹). بازرگانان از آنجا تا مصب رودخانه سند را در ۴۰ روز طی می‌کردند (مشکور، ۱۳۷۱: ۷۱).

هندوستان، اقیانوس هند و دریای عمان در تجارت سلوکیان جایگاه ممتازی داشت. پس از فتوحات اسکندر و سپس انتیوخوس سوم، بازارهای هند بر روی بازرگانان سلوکی و کشورهای تابعه امپراتوری گشوده شد. سلوکیان و سپس رومیان به مصنوعات لطیف کتانی، برنج، عطریات، و به ویژه ادویه‌جات هند علاقه بسیار داشتند؛ چنانکه انتیوخوس سوم، برای امنیت تجارت ادویه، به شهرهای سلوکیه در کران دجله و شوش علیه اهالی گرا در حاشیه ساحلی عربستان، دست به عملیات نظامی زد (بویل، ۱۳۷۳: ۱۱۱). گاه نیز سلوکیان و رومیان از دهانه دریای سرخ می‌گذشتند و با گذر از دریای عمان و اقیانوس هند، به سرزمین هندوستان دست می‌یافتند (تاد، ۱۳۴۲: ۲۰۲-۲۰۱). بخش عمده تجارت با شبه قاره هند از طریق بندرهای خلیج فارس و به ویژه دریای عمان که به صورت سنتی با مراکز اقتصادی شبه قاره هند ارتباط نزدیک داشت، صورت می‌گرفت. پنبه مدیترانه، ابریشم، وسایل آرایشی، رنگ و عطر، ادویه و سنگ‌های قیمتی هند، کندر عربستان، مروارید خلیج فارس، احجار کریمه، جواهرات برجسته کاری، داروهای گیاهی، نباتات، انواع مرهم، روغن جات، گلاب و ارغوان، شیشه آلات، سفال، منسوجات، پاپيروس و اشیاء هنری مهم‌ترین کالاهایی بودند که در بازرگانی دریایی و زمینی عصر سلوکی دادوستد می‌شدند (گیرشمن، ۱۳۶۷: ۲۷۹، ۲۷۸)، چندان که داروهای هندی تا سرزمین بریتانیا می‌رسید (آذری، ۱۳۵۰: ۱۷). محصولات عمده سرزمین ایران نیز شامل لباس و زینت آلات، داروها و احجار کریمه، فرش، گندم، حبوبات، الوار، کانی‌های زیرزمینی چون مس، سرب و آهن در معابر دریایی جنوب و جنوب شرقی صادر می‌شد (گیرشمن، ۱۳۶۷: ۱۲۷). عیار سکه‌های سلوکی با عیار مسکوکات آتنی که در بخش اعظم جهان یونانی مآب به آن تاسی می‌کردند، یکسان بود و در نتیجه، از خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند تا دریای ادریاتیک، مبادلات بازرگانی بر پایه نظام پولی واحد صورت می‌گرفت. مسکوکات سیمین یک شکل که در دوره هخامنشی وجود نداشت، دادوستد میان بخش‌های مختلف جهان را تسهیل می‌کرد (بویل، ۱۳۷۳: ۱۱۱).

نتیجه

از آنگاه که می‌توان نخستین تکاپوهای سیاسی و اقتصادی بشر را پی گرفت، حوزه خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند جایگاهی ممتاز داشت و تمدن‌های بین‌النهرین با این مرزهای دریایی در ارتباط نزدیک بودند. با تأسیس امپراتوری هخامنشی، مرزهای ایران در جبهه جنوب و جنوب شرقی، خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند تثبیت شد. اهمیت استراتژیکی این حوزه دریایی که از هزاره‌های پیش از میلاد آشکار شده بود، دولتمردان ایران را به نقش‌آفرینی نظامی و اقتصادی بر اقیانوس هند وامی‌داشت. کشتی‌های ایران با عبور از دریای عمان به اقیانوس هند دسترسی می‌یافتند و تا سواحل و بنادر سیلان به داد و ستد می‌پرداختند.

با فروپاشی امپراتوری هخامنشی، وقفه‌ای گذرادر حاکمیت سیاسی و اقتصادی ایران بر این منطقه پدیدار گشت، اما در دوره سلوکیان، حکمرانان مقدونی با درک اهمیت سوق‌الجیشی این حوزه، تکاپوهای نظامی و تجاری خود را بر جزایر و بنادر شمالی و جنوبی خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند گسترش دادند. این فرآیند از عصر سلوکوس اول آغاز شد و در دوره انتیوخوس سوم افزایش یافت. اقتصاد ایران و کشورهای همجوار آن در دوره امپراتوری سلوکیان، روند رو به رشد در اوایل عصر هخامنشی را ادامه داد و اعاده امنیت و استقرار آرامش در سرتاسر امپراتوری سلوکی، به ویژه پس از آنکه نزاع بر سر جانشینی اسکندر مقدونی کاهش یافت، ارتباط میان سرزمین‌های شرق و غرب جهان را گسترش داد و این نتایج را در پی آورد: یکپارچه‌سازی در نتیجه فتوحات گسترده، رونق اقتصاد پولی و کاهش معاملات کالا به کالا، تعادل قیمت‌ها، گسترش راه‌های بازرگانی خطوط حمل و نقل، ساخت شهرها و بنادر جدید، رونق بخش کشاورزی در نتیجه استفاده از فنون جدید کاشت و عملیات کانال‌کشی و زه‌کشی، استفاده از ذخایر انباشته هخامنشیان و انتقال نقدینگی‌ها به بازارهای تجاری، رشد بازرگانی و توسعه صنایع، تقسیم کار و سرانجام افزایش تولیدات. بخش عمده‌ای از تحرکات اقتصادی سلوکیان در محدوده خلیج فارس و دریای عمان، برگرفته از تأسیسات و زیرساخت‌های بازمانده از دوران هخامنشی بود. هندوستان، اقیانوس هند و دریای عمان در تجارت سلوکیان جایگاهی ممتاز داشتند. بخش عمده تجارت با شبه قاره هند از طریق بندرهای خلیج فارس و به ویژه دریای عمان صورت می‌گرفت. نقش دیبول، سند و سومان از مناطق بندری هند نیز در تجارت با بازرگانان خلیج فارس و دریای عمان قابل توجه بود.

منابع و مأخذ

- آذری، علاءالدین، ۱۳۵۰، "روابط ایران و هند در عهد باستان"، بررسی‌های تاریخی، ش ۴، س ۶، مهر و آبان.
- _____، ۱۳۵۲، "روابط ایران و سیلان"، بررسی‌های تاریخی، ش ۴، س ۸، مهر و آبان.
- اقتداری، احمد، ۱۳۴۵، *خلیج فارس*، تهران: ابن سینا.
- ایوانف، م. س و دیگران، ۱۳۵۹، *تاریخ ایران باستان*، ترجمه: سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: دنیا.
- باوزانی، الساندرو، ۱۳۵۹، *ایرانیان*، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: جاویدان.
- بلسار، پ. پ. ۱۹۳۶، *ایران و اهمیت آن در ترقی و تمدن بشر*، ترجمه: عبدالحسین سپنتا، بمبئی: انجمن ایران لیگ بویل، جی. آ، ۱۳۷۳، "تاریخ ایرانیان از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان"، ج ۳، قسمت ۱، ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.
- تاد، لوئیس پاول و دیگران، ۱۳۴۲، *سیر تکاملی تمدن*، ترجمه: هاشم و مجید رضی، تهران: آسیا.
- پرادا، ایدت، ۱۳۸۳، *هنر ایران باستان*، یوسف مجید زاده، تهران: دانشگاه تهران.
- پیرنیا، حسن، ۱۳۷۰، *تاریخ ایران باستان*، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.
- پیرنیا، محمدکریم و کرامت الله افسر، ۱۳۵۰، *راه و ریاط*، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران
- چایلد، گوردون، ۱۳۵۲، *انسان خود را می‌سازد*، ترجمه: احمد کریمی، حکاک و محمدهل اتائی، تهران: کتاب‌های جیبی.
- چمنکار، محمد جعفر، ۱۳۸۴، "جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در توسعه روابط اقتصادی در هزاره‌های پیش از میلاد"، فصلنامه تاریخ روابط خارجی وزارت امور خارجه، سال ۷، شماره ۲۸، پاییز.
- دورانت، ویل، ۱۳۴۳، *تاریخ تمدن*، هند و همسایگانش، ج ۲، ترجمه: مهرداد مهرین، تهران: اقبال.
- رائین، اسماعیل، ۱۳۵۶، *دریانوردی ایرانیان از عصر استعمار تا امروز*، تهران: جاویدان.
- غروی، مهدی، ۱۳۵۳، "مقدمه‌ای بر روابط ایران و هند در دوره باستان"، مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۵، س ۹، آذر و دی
- کامبخش فرد، سیف الله، ۱۳۷۹، *سفال و سفالگری در ایران*، از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران: ققنوس
- سرفراز، علی اکبر، ۱۳۸۰، *گزارش اولین فصل کاوش چرخاب برازجان در استان بوشهر*، بوشهر: میراث فرهنگی بوشهر.
- سید سجادی، منصور، ۱۳۶۷، "نگاهی به آثار باستانی بلوچستان از آغاز تا اسلام"، قسمت دوم، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱.
- کامرون، جرج، ۱۳۶۵، *ایران در سینه‌دم تاریخ*، ترجمه: حسن انوشه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کخ، هاید ماری، ۱۳۷۸، *پژوهش‌های هخامنشی*، ترجمه: امیرحسین شالچی، تهران: آتیه.
- کلارک، گراهام، ۱۳۷۹، *جهان پیش از تاریخ از دیدگاهی نو*، گروه مترجمان، تهران: دنیای مادر.
- گزنفون، ۱۳۵۰، *تربیت کوروش*، ترجمه: بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- گیرشمن، رمان، ۱۳۶۸، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه: محمدمعین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مالووان، م. ا. ل، ۱۳۷۲، *بین‌النهرین و ایران باستان*، ترجمه: رضا مستوفی، تهران: دانشگاه تهران.
- مغول، محمد رفیق، ۱۳۶۹، "پیوندهای فرهنگی سند و پنجاب با ایران در دوران پیش از تاریخ"، برگردان: سید منصور سید سجادی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱.
- مشکور، محمدجواد، ۱۳۷۱، *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.
- مرادی غیاث آبادی، رضا، ۱۳۷۷، *نیشته‌های پارسی باستان خط میخی*، تهران: [بی‌نا].
- ملک شه‌میرزادی، صادق، ۱۳۷۸، ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- نگهبان، عزت الله، ۱۳۷۵، *شوش یا کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ولی پور، حمیدرضا، ۱۳۸۰، "پایگاه‌های تجاری آغاز عیلامی"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش اول.

ویسهوفر، یوزف، ۱۳۷۷، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
ویکلن، اولریش و یوجین برزا، ۱۳۷۶، *اسکندر مقدونی*، ترجمه: حسن افشار تهران: نشر مرکز.
هاولی، دونالد، ۱۳۷۷، *دریای پارس، سرزمین‌های سواحل متصل،* ترجمه: حسن زنگنه، بوشهر: مرکز بوشهرشناسی با همکاری انتشارات همسایه.
هرودوت، ۱۳۵۷، *تاریخ*، ترجمه: غ. وحید مازندرانی، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
هوار، کلمان، ۱۳۷۵، *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.
هدایتی، هادی، ۱۳۳۵، *کوروش کبیر*، تهران: دانشگاه تهران.

Alweis, Frank and others, 1964, *New Dimensions of World History*, American Book Company.

Chatto Padhyaya, 2003, *Brajadulal; Studing Early India, Archaeology Texts and historical Issues*, Permanent Black, India.

Thapar, Romila, 2003, *Cultural Pasts, Essays in Early Indian history*, Oxford University Press, India.

Habib, Irfan, 2005, *Prehistory: people's history of India*, Tulika Books, New Delhi.

Sancisi, Heleen, 1990, *Achaemenid History Work shop*, lyden, Holland.